
جایگاه زنان در دولت خودخوانده داعش

دکتر شهره جلال پور

استادیار گروه علوم سیاسی دانشگاه آزاد اسلامی واحد شهرضا
shohrehjalalpoor@yahoo.com

معصومه یزدانی

کارشناس ارشد گروه علوم سیاسی دانشگاه آزاد اسلامی واحد شهرضا (نویسنده مسئول)

محمد زارعزاده

باکارشناس ارشد گروه علوم سیاسی دانشگاه آزاد اسلامی واحد شهرضا
Mamadzz@yahoo.com

■ چکیده

داعش بیش از آنکه گروهی شبه‌نظامی باشد، فرقه‌ای ایدئولوژیک با برداشت‌هایی انحرافی و متحجرانه از دین مبین اسلام است، که بیشتر از آنکه به تحقق آرمان‌های اسلامی کمک نماید، خواسته یا ناخواسته در جهت تخریب اسلام محمدی (ص) قدم برداشته است. داعش البته در مقایسه با سایر گروه‌های شبه نظامی بنیادگرا، دارای نوآوری‌هایی قابل توجه است. یکی از این موارد، بهره‌گیری از موضوع زنان با تکیه بر برداشت‌های سطحی و منفعت‌طلبانه از دین است. در پژوهش پیش‌رو سعی گردیده تا بدین سؤال پاسخ داده شود که زنان در دولت خودخوانده داعش از چه جایگاهی برخوردار بوده‌اند؟ نگارنده، فرضیه خود را با استفاده از روش تحلیلی-توصیفی بر این پایه قرار داد که جایگاه زنان در دوره فعالیت داعش، مهم بوده، و بیشتر جنبه تبلیغی، تیشیری و نظامی داشته که با استفاده ابزاری از زنان در جهت رسیدن به مقاصد خود، قدم برداشته است. یافته‌های تحقیق نشان می‌دهد که رویه داعش در خصوص زنان ثابت نبوده و دچار نوساناتی گردیده است. زنان در ابتدا صرفاً مورد بهره‌برداری جنسی قرار گرفتند، سپس در فعالیت‌های تیشیری و تبلیغی مورد استفاده واقع شدند، و در نهایت در رشته‌های نظامی و انتحاری سازمان‌دهی گردیدند.

■ **کلید واژه‌ها:** زنان، داعش، سلفی، نوسلفی.

مقدمه

یکی از مسائلی که همواره در سیر تاریخ جوامع بشری مورد نظر قرار گرفته، تعیین جایگاه و مقام و موقعیت و حقوق زن، ارج نهادن به او به‌عنوان رکن مهم خانواده انسانی، فرصت دادن به وی برای بیان اظهار نظر در مسائل شخصی و اجتماعی و رفع تبعیض در حقوق و امتیازات بین او و جنس مرد بوده است.

با نگاهی به گذشته در خواهیم یافت که زن در عصر جاهلیت، حکم متاع و کالا داشت، و اعتقاد بر این بود که از مایه‌ای پست تر از مرد آفریده شده است. با ظهور دین اسلام و برقراری عدالت الهی، زنان نیز مانند مردان دارای حقوق مادی و معنوی شدند و تنها برتری افراد بر یکدیگر، معیار ایمان و تقوای آنان دانسته شد.

امت اسلامی بعد از وفات پیامبر اسلام(ص)، دچار انشقاق گردید و هر دسته و فرقه‌ای با ذهنیتی خاص به مقوله زن نگرستند. جایگاه زن در نظام اجتماعی و فرهنگی کشورهای عربی تا نخستین دهه‌های قرن بیستم، متأثر از اوضاع ناگوار سیاسی و اقتصادی و فرهنگی کشورهای مزبور بود. وجود حکومت‌های خودکامه، چیرگی بیگانگان و فقر اقتصادی سبب شده بود که جوامع عربی در تمامی عرصه‌ها، به‌ویژه فرهنگی و علمی، عقب‌نگه داشته شوند، و عموم مردم از جمله زنان نتوانند از کم‌ترین حقوق شهروندی برخوردار گردند. با گذشت زمان و در پی شکل‌گیری حرکت‌های آزادی‌خواهانه در پاره‌ای از کشورهای عربی، به‌ویژه با انحلال رسمی خلافت عثمانی به‌دست مصطفی کمال در سال ۱۹۲۴م. زمینه گسترش دیدگاه‌های اصلاح‌طلبانه فراهم شد.

در کنار جریان‌های اصلاح‌طلبانه، اندیشه نوسلفی نیز رشد کرد، که علاوه بر اینکه یک جنبش سیاسی محسوب می‌شد، از خاستگاه‌های فکری، مذهبی و فلسفی نیز برخوردار است. این نگرش، تجدید حیات دین را در تجدید فهم مفاهیم دینی و پویایی بخشی به آن‌ها می‌جوید، و نسبت به وضعیت موجود مسلمانان، دیدگاهی انتقادی اتخاذ می‌کند. نوسلفی‌گری به دنبال حل مسائل جدید با ادعای تمسک بر مبانی قرآن و سنت است و در تفکر خود از اندیشه‌های «محمد بن عبدالوهاب» استمداد می‌جوید.

رشد این گونه افکار در کشورهای اسلامی باعث ایجاد گروه‌هایی جهادی جهت بازگشت به سلف صالح شده که از جمله می‌توان به گروه‌های القاعده، طالبان و داعش اشاره کرد. داعش، مدعی بازگشت به نوعی حکومت اسلامی است، و خلافت اسلامی را پیگیری می‌کند. آن‌ها معتقداند که تنها با شمشیر می‌توان به عصر طلایی اسلام بازگشت. داعش با تکفیر سایر گروه‌های اسلامی به‌ویژه شیعه، به اعمال خشونت آمیز ضدانسانی دست یازید. آن‌ها با فراخوانی مسلمانان کشورهای اسلامی از آنان تقاضا نمود تا به این حکومت بپیوندند. زنان نیز به‌عنوان نیمی از جامعه مسلمین به این حکومت فراخوانده شدند. شعارهایی که داعش در ابتدا مطرح می‌کرد، زنان را به این گروه علاقه‌مند ساخت، اما با گذشت زمان، ماهیت این گروه، بیشتر بر همگان روشن گردید.

مبانی نظری (پیدایش اندیشه سلفی و نوسلفی در جهان اسلام)

گرایش‌های نوگرایانه سلفی به دلیل تأثیر و اعتماد بر میراث منقول از سلف «نوسلفی» نام گرفتند. این دیدگاه در چارچوب اندیشه قدیم سیر می‌کند که از قرون وسطی به بعد بر جهان اسلام حکم فرما بوده است (عمار، ۱۹۶۲: ۳۸). بدون شک در بررسی ریشه‌های فرقه وهابیت، هیچ کس را نمی‌توان یافت که به اندازه ابن تیمیه اهمیت داشته باشد. در واقع محمدبن عبدالوهاب جز برخی تندروی‌ها چیزی بر عقاید ابن تیمیه نیفزوده است (Schwartz, 2002:54). به عقیده وی، سلف، قرآن و سنت را بهتر از مدعیان علم و متکلمان ادوار بعد، درک کرده‌اند. استدلال او این بود که صحابه نزدیک‌ترین اشخاص به رسول اکرم اسلام (ص) بوده و قرآن به زبان آن‌ها و برای فهم همان‌ها نازل شده است. به نظر وی، چگونه ممکن است خدا و رسول و صحابه او قول و اعتقاد درباره خدا را چنان که باید استوار نکرده باشند! محال است اصحاب رسول الله در این باره چیزی ندانند و متأخران در این باره از سابقان و سلف، داناتر باشند (ابن تیمیه، ۱۴۱۶: ۴۲۸).

وهابیت، جنبشی اصلاح طلبانه بود که محمدبن عبدالوهاب در قرن هیجدهم میلادی به وجود آورد، که مادر جریان‌های افراطی نوسلفی‌گری محسوب می‌شود.

تفکر آن‌ها توأم با خشونت، جزمیت و قشری‌گری دینی است، و در برابر گروه‌های دیگر مسلمان و غیرمسلمان، کم‌تحمّل، و به تقسیم‌بندی پُررنگی بین کافر و مؤمن یا کافر حربی و کافر ذمی، قایل‌اند. فهم داعش بدون شناخت فرقه وهابیت و پیشینه آن امکان‌پذیر نیست. از نظر ایدئولوژیک و ریشه‌های فکری، وهابیت را نمی‌توان از گروه تکفیری- وهابی داعش جدا کرد. در واقع اقدامات این گروه، نشأت گرفته از تفکرات محمدبن عبدالوهاب، بنیانگذار فرقه وهابیت است (Crooke, 2014).

دیگر گروهی که متأثر از تفکرات نوسلفی و وهابی به‌وجود آمد، القاعده بود، و در دهه اخیر، گروه تکفیری- تروریستی داعش با همان اندیشه‌ها ظهور یافت. این گروه تروریستی - وهابی را نیز می‌توان نوسلفی نامید، که بروزشان عمدتاً به دهه هشتاد قرن بیستم باز می‌گردد. پس از مبارزات جهادی در افغانستان و شکل‌گیری نیروهای نوسلفی اعم از «طالبان» و «القاعده» و به دنبال آن حمله ۱۹۹۱ م. آمریکا به عراق، و سپس هم‌دستی عربستان و کویت با آمریکا علیه صدام حسین، جریاناتی به‌وجود آمد که علاوه بر مبارزات ضد آمریکایی و ضد شوروی، به سمت مبارزه با حکومت کشورهای مسلمان نیز پیش رفتند. حوادث یازده سپتامبر، اتفاقات بوسنی و هرزگوین، چچن، قفقاز، تاجیکستان، جبهه مورو در میندانائوی فیلیپین، حوادث شمال آفریقا و سایر بحران‌های جهان اسلام نیز به رشد جریان‌های نوسلفی دامن زد (آقاجری، ۱۳۹۳). سنت‌های فکری و ایدئولوژیک این گروه‌ها در وهله اول وامدار اندیشه‌های احمدبن حنبل، ابن تیمیه و محمدبن عبدالوهاب‌اند، و در دوره معاصر، سیدقطب، عبدالسلام فرج و دیگران.

می‌توان گفت، پس از فروپاشی امپراتوری عثمانی و شکل‌گیری کشور ترکیه فعلی و برچیده شدن خلافت پس از جنگ جهانی اول، بسیاری از مسلمانان اهل سنت از عام و خاص، به نوعی احساس بینوایی کردند، و از فردای آن روز، آرزوی برپایی دوباره خلافت اسلامی، ذهن بسیاری از آنان را که نگران سرنوشت اسلام و امت اسلامی بودند، به‌خود مشغول کرد، و از همین رو مسئله بازستانی خلافت غصب شده به دغدغه اصلی برخی از حرکت‌های اسلامی معاصر تبدیل شد. بدین‌سان جنبش اخوان المسلمین در مصر، جماعت تبلیغ و جماعت اسلامی در هندوستان، جماعت

نور در ترکیه، و پس از آن حزب التحریر اسلامی که به طور ویژه به مسئله خلافت توجه داشت و در راه احیای آن تلاش کرد، از نمونه‌های این جنبش‌ها بودند (الریسونی، ۱۳۹۳). داعش نیز با شعار بازسازی خلافت، اعلام موجودیت کرد. بازسازی این خلافت بر عهده خلیفه‌ای است که عموماً باید جانشین حضرت محمد(ص) باشد، گرچه منظور داعش از خلافت، بسیار متفاوت‌تر از چیزی محسوب می‌شود که تاریخ در مورد قوانین اسلامی در سده‌های گذشته از خود به یادگار گذاشته است. اجرای شریعت، در نظر آن‌ها - البته با قرائت ادعایی‌شان - راه حل تمامی مشکلات است. در واقع نص‌گرایی به دنبال رد هر گونه تأویل و عقل‌گرایی و نفی تمام مظاهر مدرنیته مثل دموکراسی است. آن‌ها دموکراسی را کفر می‌دانند، و از این رو خلافت خود خوانده را نه برای کشوری خاص، بلکه برای تمام مسلمانان جهان اعلام می‌کنند (آقاجری، ۱۳۹۳).

جایگاه زنان در دیدگاه نوسلفی

جنبش‌های اصلاحی که به نام جنبش‌های نوسلفی در جهان اسلام ظهور پیدا کردند، به دنبال دعوت به اسلام واقعی جهت یافتن الگوی اصیل زن، زدودن سنت‌های جنسی و جنسیتی جاهلی سده بیستم و ایجاد وحدت میان زنان مسلمان از طریق جذب شدن در جنبش‌های گوناگون زنان بودند. در این میان، سید قطب و ابوالاعلی مودودی، نقشی بسیار مهم در انتقال دعوت سلفی سده هیجده به دیدگاه‌های جنسی و جنسیتی نوسلفی نیمه دوم سده بیستم ایفا کردند. دیدگاه‌های نوسلفی با بهره‌برداری از دیدگاه‌های سلفی سده‌های گذشته، آموزه‌های آنان را غبار رومی و تا حدودی به روز نمود.

برخی از نوسلفی‌ها در بحث جایگاه زن معتقدند: «از آنجا که معرفت خداوند بهترین نوع معرفت است، فرد مسلمان برای آنکه بتواند به خوبی وظیفه خود را در این مهم انجام دهد، می‌باید تأثیر محرک‌های داخل و خارج از بدن خود را کاهش دهد، عوامل خارجی بازدارنده از آن هدف را سرکوب کند و از لذت‌های دنیوی چشم‌پوشی نماید. در این میان، زنان بازیچه‌هایی خطرناک هستند که می‌بایست

به‌منظور افزایش نسل امت اسلامی و فروکش ساختن آتش غریزه جنسی مردان به‌کار روند؛ اما نباید به‌گونه‌ای مورد توجه مردان مسلمان قرار گیرند که آن‌ها را از توجه به خداوند باز دارند» (غزالی، ۱۳۷۳: ۲۰۸).

این انگاره درباره ماهیت زن، ضمیمه فکری دیدگاه نوسلفی در باره زنان است. از نظر آن‌ها، زنان از قدرت جنسی مخربی برخوردارند که می‌توانند به کمک آن بر هر چیزی غالب شوند؛ از این رو، نگرش نوسلفی، خود را ناگزیر از کنترل زنان می‌داند تا مردان بتوانند به وظایف دینی و اجتماعی خود، روی آورند. این مهم از طریق قواعد حقوقی و نهادهای اجتماعی انجام می‌پذیرد (پزشگی، ۱۳۸۴: ۸).

از دیگر نظریه‌پردازان نوسلفی می‌توان به «سید قطب» اشاره کرد. از نظر وی، اسلام به لحاظ جنسیت و حقوق انسانی، برابری کامل بین زن و مرد برقرار کرده، و اگر به‌نوعی برتری یکی را بر دیگری قرار داده، تنها مربوط به استعداد طبیعی است که بر حقیقت وضع انسانی دو جنس تأثیر نمی‌گذارد. به این ترتیب هر جا که این دو به لحاظ استعداد، خصلت و مسئولیت برابر باشند، حقوق برابر دارند، و هر جا که تفاوت داشته باشند، به تناسب وضع خود، شأنی متفاوت می‌یابند (قطب، ۱۳۸۳: ۴۷). از این رو زن و مرد به لحاظ دینی و معنوی و نیز از جهت شایستگی برای مالکیت و تصرف اقتصادی برابر هستند، گرچه در برخی فروع عملی مانند میراث و شهادت قضایی، مرد بر زن ترجیح داده شده است. به عقیده قطب، علت تفاوت مزبور، ریشه در اختلاف مسئولیت‌ها و استعدادهای زن و مرد دارد؛ زیرا دو برابر بودن سهم مرد نسبت به زن، به سبب مسئولیتی است که مرد در زندگی خانوادگی بر عهده دارد. در شهادت قضایی نیز برابر بودن شهادت دو زن با شهادت یک مرد، به جهت عاطفه و انفعال بیشتر زن نسبت به مرد، به حکم مادری است (قطب، ۱۳۸۳: ۴۹).

از دیگر اندیشمندان معاصر جهان اسلام، محمد رشیدرضا است. وی بحث برابری زن و مرد را به لحاظ ارزش‌های انسانی با استفاده از آیات مربوط به «نفس واحد»، مطرح کرده و در علت‌یابی نابرابری، به «فطرت» استناد می‌کند و می‌گوید: «خداوند، مرد را با نیروی جسمی و عقلی برتری داد و زن را با مادری و شیردهی و مقتضیات آن، ویژه گردانید. جز نادان یا زورگو، هیچ‌کس در این حقیقت که خداوند در نظام

فطرت، مرد را بر زن برتری بخشیده، تردید نمی‌کند؛ زیرا هوش خرد و اندام مرد قوی‌تر است، و توانایی‌اش برای کارهای مختلف، بیش‌تر.» (رضوان‌السید، ۱۹۹۷: ۳۴).
 با بررسی جایگاه زن در اندیشه برخی از مشهورترین نظریه‌پردازان نوسلفی که آثار و کتب آن‌ها بیشتر در دسترس قرار دارد، چنین برداشت می‌شود که زن فاقد جایگاهی مناسب در این اندیشه است، که ادامه دیدگاه بزرگان سلفیه نیز محسوب می‌شود. لازم به ذکر است برخی از اندیشمندان نوسلفی با هدف ایجاد هماهنگی میان آموزهای سلفیه و دستاوردهای مدرنیته و رفع برخی تناقضات، با التفاتی بیشتر به احکام آن نگرسته و سعی در موجه جلوه‌دادن احکام آن نموده‌اند.

تشکیل دولت خودخوانده داعش و تفکرات آنان

نوسلفی‌ها خواهان بازگشت به اندیشه و عمل سلف صالح بودند و در همین خط حرکت می‌کردند. رشد افکار مزبور باعث به‌وجود آمدن خط‌مشی نظامی در بین این گروه‌ها با رویکردی جهادی شد. از این گروه‌ها می‌توان به القاعده، طالبان و داعش، اشاره کرد. داعش، مدعی بازگشت به سیستم حکومتی اسلامی بود و خلافت اسلامی را پیگیری می‌کرد. آن‌ها معتقد بودند که تنها با شمشیر می‌توان به عصر طلایی اسلام بازگشت. کلمه داعش، مخفف «دولت اسلامی عراق و شام» است، و نشان می‌دهد که حوزه فعالیت این جنبش، منطقه مذکور به حساب می‌آید. داعش، جریانی است خشونت طلب و تندرو که سودای احیای خلافت اسلامی دارد. جریانی که در کوتاه مدت توانست به فتوحاتی چشمگیر دست یابد و از سوریه به عراق رفته و بخش‌هایی از سرزمین مزبور را هم اشغال کند. پیکارجویان سلفی - تکفیری، گروهی از تروریست‌های بین‌المللی‌اند که با زمینه‌های متفاوت جغرافیایی از کشورهای مختلف عربی، آسیایی، اروپایی و آفریقایی گرد هم آمده‌اند. آن‌ها با قرائتی خاص و سنتی از دین اسلام می‌کوشند به راهبردهای تروریستی تکیه کرده و با استناد به اصول اعتقادی و تاریخی، اعمال خشونت بار خود را توجیه کنند.

در سال ۲۰۰۳م. و پس از تهدید آمریکا به حمله نظامی به عراق، عده‌ای داوطلب خارجی برای حمایت از عراق - در برابر حمله آمریکا - به این کشور مهاجرت کردند

که موجب پیدایش گروه‌های مسلح از جمله توحید و جهاد شد. پس از تشکیل گروه‌های مذکور به سرکردگی ابومصعب الزرقاوی در سال ۲۰۰۴ م. و بیعت با اسامه بن لادن سرکرده سابق القاعده، این گروه به شاخه سازمان القاعده در عراق ارتقا یافت (رنجبر شیرازی و همکاران، ۱۳۹۳: ۱۱).

زمانی که زرقاوی در حملات هوایی آمریکا (۲۰۰۶ م.) کشته شد، ابویوب المصري، رهبری القاعده را در دست گرفت و در اکتبر همان سال، نام القاعده عراق را به دولت اسلامی عراق تغییر داد تا جاه‌طلبی این گروه را بیشتر نمایان سازد.

به طور کلی، دولت اسلامی عراق از امتزاج القاعده عراق، شورای مجاهدین عراق و جندالصحابه شکل گرفت. در سال ۲۰۱۰ م. ابوبکر بغدادی که با عنوان ابودعا شناخته می‌شد و نام اصلی‌اش حامد داوود محمد خلیل الزاوی بود، دفتر مرکزی خود را در بعقوبه تأسیس کرد، و بعد از کشته شدن المصري، به‌عنوان رهبر این گروه انتخاب شد و تأسیس دولت اسلامی عراق و شام را در آوریل ۲۰۱۳ م. اعلام کرد (Gulmohamad, 2014: 1-3).

داعش به تفسیر و قرائت خشن از اسلام و خشونت وحشیانه‌اش علیه شیعیان و مسیحیان مشهور بوده، و حتی با دیگر گروه‌های اسلام‌گرای سلفی از جمله «جبهة النصرة»، شاخه رسمی القاعده در سوریه نیز درگیر جنگ شد. در فوریه ۲۰۱۴ م. ایمن الظواهری، رهبر القاعده به‌طور رسمی هرگونه انتساب این گروه به القاعده را رد کرد (Abi-Habib, 2014: 58-61).

ساختار تشکیلات داعش

داعش تنها یک ایدئولوژی نبود؛ دولتی بود با تمامی ساز و برگ هایش؛ نهاد رهبری، مرکز تصمیم‌گیری سیاسی، نهاد اقتصادی، شاخه نظامی، شورای فقهی - حقوقی، مرکز امنیتی، شورای اجرایی، مرکز عضوگیری و مهم‌تر از همه شورای رسانه‌ای. چیزی که گروه مزبور را از سایر گروه‌های تکفیری - وهابی و نوسلفی متمایز می‌ساخت، همین ساختار متمرکز آن بود. بر اساس گزارش روزنامه نیویورک تایمز، بسیاری از رهبران گروه داعش، اعضای ارتش بعثی در زمان صدام حسین بودند که

وظیفه آموزش نظامی افراد را بر عهده گرفتند. به گفته شیرین هانتر (Shireen Hunter) - استاد دانشگاه جرج تاون آمریکا - عربستان بعد از سقوط صدام به خیلی از این نیروها پناه داده بود و آن‌ها مدتی طولانی در این کشور زندگی کرده بودند (هانتر، ۱۳۹۳).

ساختار دولت اسلامی عراق و شام از این قرار بود که ابوبکرالبغدادی، مشاوران کابینه و دو معاون وی، شاخه اجرایی داعش را که به الأماره معروف بود، شکل می‌دادند. دو معاون ابوبکر، ابوعلی‌العنبری و ابومسلم‌الترکمانی که از افسران کارکشته عراق در رژیم صدام حسین بودند، به ترتیب، زمامداری سوریه و عراق را بر عهده داشتند. دو معاون بغدادی، دستورها را به حکامی ابلاغ می‌کردند که زمام خرد دولت‌های متعدد تحت کنترل داعش را در سوریه به عهده داشتند؛ سپس این حکام به هیئت‌های محلی اعلام می‌کردند که به چه ترتیب اوامر شاخه اجرایی را در امور مختلف از قبیل مناسبات رسانه‌ای و عضوگیری تا مسائل مربوط به نظم عمومی و مسائل مالی، اعمال نمایند. شورا - که مسائل را مستقیماً به شاخه اجرایی گزارش می‌داد- در واقع ارگان نظارت دینی خلافت بود، و بدین منظور گماشته شده بود تا تضمین کند تمام هیئت‌های محلی و حکام، به تقریر داعش به قوانین اسلام پایبندند. از وظایف دیگر این شورا - رسیدگی به اختلافات مذهبی و صدور دستور اعدام بود. بغدادی که خود زمانی زندانی نیروهای ایالات متحده در عراق بود - از سال ۲۰۰۵م. تا ۲۰۰۹م. به همراه ۹ نفر از رهبران ارشد کنونی داعش - (ایسنا، ۱۳۹۳) ظاهراً استراتژی ضد شورش خود ارتش آمریکا را اجرا می‌کرد؛ بدین گونه که ابتدا یک قلمرو را از مخالفان پاک می‌کرد و پس از آنکه کنترل آن را به دست گرفت، از افراد محلی برای اداره آن استفاده می‌کرد. رهبران محلی در رتبه آخر سلسله مراتب قدرتی این گروه قرار داشتند که بیشتر از اعضای سابق حزب بعث بوده، و در سراسر عراق و سوریه پراکنده بودند، و وظیفه شان گزارش مسائل مربوط به منطقه خود به رده‌های بالاتر بود (NYT, 2014/16/9).

نگاه داعش به جایگاه زنان

داعش، رفتاری دوگانه نسبت به زنان داشت و در تبلیغات خود - چه در فضای

مجازی و چه در نشریات وابسته - طرح‌هایی بزرگ برای زنانی که به مناطق تحت حکومت آن‌ها وارد می‌شدند، به نمایش می‌گذاشت، و چنین وانمود می‌کرد که مصمم است نقش‌هایی کلیدی را در ایجاد آن چه که «خلافت» می‌خواند به آن‌ها واگذار نماید. داعش به زنان می‌گفت، به آن‌ها بپیوندند تا بنیاد دولت جدید را مستحکم نمایند؛ نیز در برنامه‌ای منسجم سعی دارد تا با تشکیل خانواده در یک حکومت خودخوانده، به تربیت نسلی جدید مطابق با آموزه‌های خود بپردازد، و از این طریق، پایه‌های حکومتی‌اش را استحکام بخشد (خبرگزاری بی‌بی‌سی، ۳۰ مرداد ۱۳۹۴).

به صورت کلی نیز در سطوح پایین‌تر، از زنان داعش خواسته می‌شود نیازهای جنسی مردان را برآورده کرده، خانه‌داری کنند و نسل بعدی را پرورش دهند. علاوه بر این در سرزمین‌های تحت نفوذش، زنانی برای پلیس مذهبی فعال‌اند تا اطمینان حاصل شود که دیگر زنان از قوانین سخت‌گیرانه مذهبی و سیاسی آن‌ها پیروی می‌کنند. در عین حال جاسوسانی هم دارند که مراقب هستند زنان به حکومت داعش وفادار بمانند (خبرگزاری بی‌بی‌سی، ۳۰ مرداد ۱۳۹۴).

با توجه به اینکه داعش گروهی تروریستی و مسلح است، اصلی‌ترین نیاز این گروه به افرادی است که در عملیات‌های تروریستی شرکت کنند و پیاده‌نظام گروه مزبور در نبردها باشند. داعش برای رسیدن به این مقصود، حتی اقدام به جذب زنان جنگجو کرده، و برای همین منظور به راه‌اندازی یک پایگاه نظامی خاص برای زنان و کودکان در حومه حلب اقدام نموده است. این زنان پس از آموزش توسط اعضای داعش، برای اجرای عملیات تروریستی و نظامی آماده می‌شوند (باشگاه خبرنگاران جوان، ۵ آبان ۱۳۹۴).

با بررسی وضعیت زنان در دولت خودخوانده داعش، می‌توان سه نقش کلی برای زنان متصور بود: الف) تبشیری - تبلیغی، ب) فرهنگی - تربیتی، ج) سیاسی - نظامی. هر کدام از موارد مذکور در ادامه مطلب بررسی می‌شوند.

الف) نقش تبشیری - تبلیغی زنان

داعش به منظور ادامه حیات، نیازمند عضوگیری فعال در سطح جامعه بین‌الملل بود،

و با توجه به چهره‌ای خشن که از خود در سطح جهان به نمایش گذاشته بود، نیاز به تلاشی گسترده داشت. راهبردی که گروه مزبور از آن استفاده می‌کرد، بهره‌برداری از زنان بود. برای جذب تروریست‌های جدید و به‌کارگیری آن‌ها در عملیات جنگی و هم‌چنین حفظ نیروهای موجود، مؤثرترین روش از نظر رهبران داعش، بهره‌گیری از جذابیت‌های جنسی زنان بود. در حکومت داعش می‌توان گفت، نقش اصلی زنان، برآورده کردن نیازهای جنسی مردان و تشویق آن‌ها به جنگیدن و ماندن‌شان در خلافت داعش بود. بر همین اساس، بهره‌کشی جنسی از زنان تحت لوای دین در دستور کار قرار گرفت.

یکی از راه‌های جذب، بهره‌گیری از شبکه‌های اجتماعی و رسانه‌های ارتباط جمعی بود که در قالبی جذاب و مهندسی‌شده در راستای مقاصد گروه مزبور حرکت می‌کند؛ چه آن زمان که داعش را حکومت موعود و ایده‌آل معرفی می‌کند، و چه آن زمان که با نمایش تصاویر دهشتناک سعی در القای وحشت علیه مخالفین خود دارد. بستر اینترنت و شبکه‌های اجتماعی مجازی، بهترین و کاربردی‌ترین ابزار برای جذب زنان بود؛ قشری که می‌تواند بیشترین منافع و جذابیت‌ها را برای این گروه شبه نظامی به ارمغان بیاورند. روند جذب زنان و دختران در شبکه‌های اجتماعی، صرفاً از طریق زن‌های عضو این شبکه‌ها صورت می‌پذیرفت و حداقل ۵۰۰ عنصر فعال را در بر می‌گرفت. تاکتیک جذب داعش در این بخش بر اساس همسان‌پنداری بود (باشگاه خبرنگاران جوان، ۵ آبان ۱۳۹۴).

داعش به بسیاری از زنان غربی که به خدمت گرفته، اجازه می‌دهد در شبکه‌های اجتماعی، نقش داشته باشند. شاید بهترین نمونه در این مورد، یک دختر حدوداً ۲۰ ساله ساکن گلاسکوی اسکاتلند به نام اقصی محمود بود، که خود را «ام لیث» می‌نامید. او به دلیل نصایحش به زنان، معروف بود؛ زنانی که در فکر ترک خانواده‌هایشان در بریتانیا و پیوستن به داعش بودند.

نقش محوری زنان در شبکه‌های اجتماعی، امری استراتژیک تلقی می‌گردید که داعش عمداً به‌کار می‌برد. داعش از زنان در مقایسه با آنچه که از طالبان و القاعده مشاهده گردیده، فعالانه‌تر استفاده می‌کند. روزانه حدود یکصد هزار توییت از سوی

طرفداران داعش ارسال می‌شد، و ظاهراً بسیاری از آن‌ها به زنانی از جوامع غربی مربوط می‌شد که به داعش پیوسته‌اند.» (خبرگزاری بی‌بی‌سی، ۳۰ مرداد ۱۳۹۴).

داعش در عرصه رسانه از ابتدا تا به امروز، توانایی‌های بالایی از خود نشان داده و از این ابزار به‌گونه‌ای بهره‌برداری کرده که هیچ گروه تروریستی و بنیادگرا، نظیر آن را تا کنون انجام نداده است. رسانه برای داعش به مثابه مهمات جنگی عمل می‌کند که بر سر اهدافش می‌ریزد، و برای ارتباط با مخاطب عام در جهان، از راهبردی توجه بر انگیز بر خوردار است. این جریان در فضای رسانه‌ای تلاش می‌کند با عضوگیری، عملیات روانی، هویت‌سازی و گسترش اعتقادات تکفیری، فضای رویکردی، هویتی و جغرافیایی خود را گسترش دهد؛ بنابراین به‌نظر می‌رسد فضای مجازی به ابزاری قدرتمند و در عین حال خطرناک در دستان این گروه تبدیل شده است.

از مواردی دیگر که داعش از آن در جهت اغوای مردان به‌منظور عضویت در گروه تروریستی خود بهره می‌برد، «جهاد نکاح» است. این مسئله که به شدت آبروی گروه مزبور را خدشه‌دار کرد، توسط اعضایش با همین نام معروف شد (مشرق‌نیوز، ۱۳۹۲ ب)، و به‌منظور شرعی نشان‌دادن آن، مفتی‌های وهابی نیز با صدور فتاوی، بهترین راه برای شرکت زنان در درگیری‌های سوریه را جهاد نکاح عنوان کردند. بر اساس این فتوا که آن را به مفتی تندرو، محمد العریفی نسبت می‌دهند، دختران ۱۴ تا ۱۶ ساله یا زنان مطلقه اگر برای رفع نیازهای جنسی شورشیان سوری به این کشور سفر کنند، ثواب آن‌ها بهشت خواهد بود. این فتوای غیرانسانی و غیر اخلاقی سبب گردید تا تعدادی زیاد از دختران جوان و نوجوان، زنان بیوه و حتی زنانی در آرزوی رستگاری و جهاد، از شوهران خود طلاق گرفته و راه سوریه را در پیش گیرند. در گام بعدی، داعش برای نظم بخشیدن به این برنامه شرم‌آور، تعدادی فاحشه انگلیسی را استخدام کرد و مسئولیت این‌گونه زنان را به آن‌ها سپرد (مشرق‌نیوز، ۱۳۹۲ ب). جهاد نکاح از نظر ماهیت، به زنا (در صورت رضایت زن) و تجاوز (در صورت عدم رضایت زن) شباهت دارد، و با ویژگی‌های ذکر شده نمی‌توان عنوان جهاد یا نکاح را بر آن گذاشت (میرشکاران، ۱۳۹۵: ۴۰۴).

آثار مخربی که این فتوا بر زندگی روحی و جسمی زنان و جامعه می‌گذارد،

غیر قابل چشم پوشی است. از مهم ترین آسیب های وارده از این پدیده، تخریب چهره دین اسلام است؛ چراکه صدور این فتوا، آن هم با اتکا به روایتی از پیامبر (ص)، منجر به ایجاد نگاهی منفی نسبت به اسلام و دنیای مسلمین از سوی افراد خارج از این دین می شود، و بهانه ای به دست مخالفان می دهد تا بیان کنند که احکام دین اسلام، چهره ای ضد بشری و دیدی ایزاری به زن داشته، و حتی در دوران جنگ هم از زن تنها به عنوان ایزاری برای آسایش و آرامش بهره می برد (میرشکاران، ۱۳۹۵: ۴۰۴). از اقدامات دیگر تبشیری- تبلیغی داعش، تشکیل گردان های زنانه بود که با هدف بالا بردن آگاهی دینی زنان در شهرهای تحت سلطه داعش شکل گرفته بودند. جالب است که نفرات این گردان ها علاوه بر درگیری با زنان شهر برای اجرای اسلام داعشی، به درگیری مسلحانه با یکدیگر بر سر مناطق تحت نفوذ هم نیز می پرداختند (خبرگزاری فارس، ۱۳۹۳).

نقش تبشیری و تبلیغی زنان در ابتدای شکل گیری داعش، بیشتر نمایان بود. این گروه در صدد بود تا با نگاه و استفاده جنسی از زنان، اقدام به عضوگیری از سراسر دنیا نماید. در واقع داعش سعی داشت تا با استفاده از جذابیت های زنانگی، خشونت و توحش خود را مخفی نماید و چهره ای انسانی و معقول از خود به نمایش گذارد. با جذب تروریست ها و گسترش حکومت داعش و هم چنین در دست گرفتن کنترل برخی از شهرها، با توجه به شرایط جدید به وجود آمده، نقش های دیگری برای زنان تعریف شد.

ب: نقش فرهنگی- تربیتی زنان

خانواده یکی از نهادهای اصلی هر جامعه ای است، و اولین نهادی محسوب می شود که فرزندان در آن رشد کرده و ارزش ها و هنجارهای اجتماعی را می آموزند. از منظر جامعه شناسی، ایجاد الگویی از خانواده مطابق با نیازها و هنجارهای هر جامعه، یکی از ارکان تقویت بنیادهای اجتماعی است. داعش علاوه بر حوزه های نظامی، سیاسی، مذهبی و اجتماعی، در قلمرو سبک زندگی و خانواده نیز ورود کرده، و این امر با در اختیار داشتن رسانه های ارتباطی و اطلاعاتی جدید، صورت پذیرفت. داعش با اخذ

پوششی دینی در زمینه مفاهیم، مناسک و هنجارها، تلاش کرد تا تصویری از اسلام در ابعاد مختلف ارائه دهد و به گفتمان‌سازی بپردازد (عرفان‌منش، ۱۳۹۵: ۳۵).

الگوی خانواده داعشی، نهادی نظام‌گسیخته و ناپایدار بود. یک الگوی جامع، متشکل از نوع و کارکردهای خانواده، نگرش به ازدواج و طلاق، تقسیم کار خانگی، مناسبات قدرت میان اعضای خانواده، نگرش به نقش‌های پدری، مادری و فرزند و نگرش به اوقات فراغت اعضا است (صادقی‌فسایی، ۱۳۹۱: ۱۷) که بایستی خانواده را از زوایای مختلف رشد دهد، در صورتی که الگوی خانواده داعش، به منزله ابزاری در جهت تحقق انگیزه‌های سیاسی بود.

حقیقت و عفت زن در این خانواده به زیر کشیده شده و حقوق فردی و اجتماعی از او سلب گردیده است. زن ابزاری برای لذت‌جویی و ارضای مردان و پسران تنومندی محسوب می‌شود که موظف است به منزله خدمتکار، محیط خانه را برای آرامش آن‌ها فراهم آورد. زنان از اقداماتی مانند رانندگی، تحصیل در رشته‌هایی مانند پزشکی و اقدامات سیاسی مانند نامزدی در انتخابات و هم‌چنین برخی تصمیمات شخصی مانند نوع لباس و پوشش یا استفاده از لوازم آرایش، منع شده‌اند.

اجتماع داعشی، دهکده اغواشدگانی است که جاذبه مفاهیم دینی و مقدسی مانند «جهاد»، آن‌ها را به خود جلب کرده و سپس از زنان، حق عقیده داشتن نیز سلب می‌گردد (عرفان‌منش، ۱۳۹۵: ۴۶).

زنان آماده جهاد نکاح به مثابه آلت دست مردان ستیزه‌جو، مجبور به پوشیدن «نقاب‌های زرد» می‌شدند. به‌رغم خدمت زنان، آن‌ها از حق سلامت محروم بودند و حق مراجعه به پزشک مرد را نداشتند و خود نیز نمی‌توانستند رشته‌های تخصصی پزشکی را در دانشگاه دنبال کنند. استفاده از مانکن‌های زن در لباس‌فروشی‌ها ممنوع بود؛ بنابراین عاملیتی برای زنان و کودکان (به ویژه دختران) در سطح کنش اجتماعی باقی نمی‌ماند. خوی مردسالارانه نیز در خانواده داعشی وجود داشت.

کودکان نیز بیش از اینکه سودا و خیال تحصیل داشته باشند، در راستای هدف اصلی مورد سوء استفاده قرار می‌گرفتند. مادران داعشی مجبور بودند به کودکان خود آموزش‌های نظامی دهند و برای آن‌ها شعرهای حماسی بخوانند. کودکان در مقرهای

آموزشی مانند اشبال التوحید یا فتیان الاسلام، وادار به آموزش نظامی و تمرین بریدن سر عروسک یا حیوانات می شدند. جامعه‌پذیری کودک بیش از اینکه توسط حمایت‌های عاطفی و روانی والدین اجرا شود، از سوی آموزش‌های نظامی و عقیدتی نهادهای رسمی، تجویز و به آن‌ها منتقل می‌شد (عرفان‌منش، ۱۳۹۵: ۴۷).

افزایش جمعیت و منع استفاده از داروها و لوازم ضدبارداری نیز به منظور تکثیر نژاد و عقاید داعش انجام می‌گرفت؛ بنابراین خانواده در تفکر داعش به مثابه گذرگاهی برای رسیدن به آمال و مقاصد سیاسی تلقی می‌شد. ازدواج‌های گروهی و جهاد نکاح، بنیانی برای شکل‌گیری و نضج خانواده باقی نگذاشته و تنها به شیوه‌ای برای هرج و مرج جنسی مبدل شده بود. سست بودن الگوی خانواده داعشی، امری بود که منجر به سست شدن جامعه آن‌ها گردید (عرفان‌منش، ۱۳۹۵: ۴۷).

اگر روند تشکیل جامعه به اصطلاح اسلامی در حکومت خودخوانده داعش مورد بررسی قرار گیرد، قابل دریافت است که با گسترش سرزمین‌های داعش و تشکیل نوعی حکومت در سرزمین‌های اشغال‌شده، این گروه اقدام به گسترش شهرنشینی خود نمود. تشکیل ساختار حکومتی، گماردن والی جهت هر استان، ایجاد وزارتخانه، ساخت مدارس مذهبی، ساخت بیمارستان، ایجاد پول واحد در سرزمین‌های متصرفه خود، تشکیل پلیس و گشت‌های مدنی و ایجاد دارالعدل، از جمله اقداماتی بود که داعش در سرزمین‌های خود به انجام رساند. در واقع آن‌ها در پی ایجاد زیرساخت‌های حکومتی و مدنی برای خود برآمدند.

هریک از دولت‌ها به منظور ایفای نقش در صحنه سیاست بین‌الملل، نیازمند چهار عنصر ذیل است: مردم، سرزمین، حکومت و حاکمیت ... مردمی که در یک سرزمین به سر می‌برند، معمولاً از نظر خصوصیات فرهنگی، نژادی، مذهبی و زبانی دارای مشترکاتی هستند. طبیعتاً هر قدر ترکیب جمعیت در یک کشور یکدست تر و همگون تر باشد، دولت از قدرت مانوری بیشتر در عرصه سیاست بین‌الملل برخوردار خواهد بود (قوام، ۱۳۸۸: ۲۱).

از آنجا که یکی از مؤلفه‌های هر حکومتی را جمعیت و نیروی انسانی تشکیل می‌دهد، داعش نیز به فکر ازدیاد جمعیت خود افتاد. مردمی که در شهرهای تصرفی

داعش زندگی می‌کردند، اگرچه به ظاهر با حکومت آن‌ها موافق بودند، ولی داعش به فکر ایجاد جامعه‌ای کاملاً معتقد از زنان و مردانی بود تا بتواند بقای حکومت خود و پایه‌های آن را استحکام بخشد. بر اساس این راهبرد، داعش علاوه بر دارا بودن قلمرو جغرافیایی، به جمعیتی قابل توجه از جهادگران پرورش یافته خود احساس نیاز می‌کرد. این گروه در تلاش بود تا جامعه‌ای ریشه‌دار و دائمی ایجاد کند. آن‌ها در تکاپو بودند تا مسلمانان جهان را نه فقط از اروپا و آمریکا، بلکه از آسیای مرکزی نیز جذب خود کنند تا خانواده‌هایی و البته برای خود به وجود آورند.

در قلمرو داعش، زنان به عنوان «کارخانه تولید بچه» برای افزایش جمعیت مجاهدین مشاهده می‌شدند. در این نگاه، زن دارای نقشی تربیتی و مؤثر در امر ازدیاد نسل بود، و در واقع نقشی جدید برای زن تعریف گردید که همان نقش فرهنگی - تربیتی بود.

بر اساس استراتژی تربیت نسل جدید جهادگران، داعش حتی مهد کودک‌های مخصوص خود را راه انداخت و سیستم آموزشی و پرورشی ایدئولوژیک خود را بنیان نهاد تا کودکان نامشروع جهاد نکاح به نحوی پرورش یابند که نسل آتی مجاهدین خلافت خودخوانده داعش را تشکیل دهند (باشگاه خبرنگاران جوان، ۱۳۹۴).

داعش با انتشار راهنماهای آنلاین برای مادران، به آن‌ها می‌آموخت چگونه کودکان خود را جهادی تربیت کنند. این راهنما تحت عنوان «نقش خواهران در جهاد» منتشر می‌گردید. در این راهنما آمده بود که مادران می‌بایست در زمان خواب، داستان‌های جهادی برای کودکان تعریف کرده و آن‌ها را به انجام ورزش‌هایی مثل دارت تشویق کنند که هدف‌گیری آن‌ها تقویت شود (باشگاه خبرنگاران جوان، ۱۳۹۴)؛ همچنین، بیشترین کمک زنان به دولت اسلامی این بود که فرزندان خود را با ارزش‌های این گروه تربیت کنند.

در این راهنما تأکید شده بود که مادران، تربیت جهادی کودکان را پیش از هفت سالگی آغاز کنند و تأثیرات بلند مدت شنیده‌های کودکان در نخستین سال‌های عمر را دست کم نگیرند (باشگاه خبرنگاران جوان، ۱۳۹۴).

وقتی جهادگران همسر و درآمد خانواده را از دست می‌دادند، سازمان‌هایی

جهادی وجود داشتند که وظیفهٔ مراقبت از آن‌ها و فرزندان‌شان را بر عهده می‌گرفتند، و این نقش معمولاً به زنان واگذار می‌شد تا بهتر بتوانند رابطه‌ای احساسی برقرار نمایند.

داعش در سال ۲۰۰۷ م. سه مؤسسهٔ رسانه‌ای به نام‌های «الملاحم»، «الفرقان» و «السحاب»، راه‌اندازی کرد که هر کدام از آن‌ها، مجلات و سایت‌هایی مخصوص زنان ایجاد کردند. ریاست تحریریهٔ مجلهٔ الخنساء با «ام‌اسامه» سعودی‌الاصل بود که برای ترویج افکار سلفی جهادی، تلاش می‌کرد.

سیستم خواهرانگی بین زنان داعش، حسّ تعلق خاطر به زنان مهاجر می‌داد و آن‌ها را برای جهادی فکر کردن و آموزش ایدئولوژیک به فرزندان‌شان یا اینکه چگونه همسران‌شان را برای عضویت به داعش تشویق کنند، آماده می‌کرد. سیستم خواهرانگی به آن‌ها اجازه می‌دهد دو چیز را به‌دست آورند: اولاً به پیروی از ایدئولوژی جهادی، وظیفهٔ خود را دنبال کنند و به واسطهٔ آن بهشت را در آخرت، و احترام را در دنیای کنونی به‌دست آورند؛ ثانیاً وقتی جهادگران، زن همسر و درآمد خانواده را از دست می‌دهند، سازمان‌های جهادی وظیفهٔ مراقبت از آن‌ها و فرزندان‌شان را به عهده می‌گیرند. انگیزهٔ زنان برای پیوستن به داعش، ممکن بود فراتر از یک انگیزهٔ خالصانهٔ دینی، رهایی و رسیدن به یک توانمندی خاص باشد؛ خصوصاً برای مهاجران نوجوان زن که مایل به کنترل زندگی خود و در جستجوی هویت و دستیابی به احترام به عنوان یک زن مسلمان در جامعه بودند، و به همین منظور به داعش تمایل پیدا می‌کردند (پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، ۱۳۹۶).

نیمی از جامعهٔ داعش، زنان بودند. آن‌ها نقشی مهم در بسیاری از بخش‌ها ایفا می‌کردند؛ مثلاً در بخش پزشکی، آموزش و حتی جمع‌آوری مالیات، و بازرسی‌های بدنی از زنان؛ هم‌چنین اجرای حدود اسلامی برای زنان از جمله وظایفی بود که بر عهدهٔ زنان بود، و از همین طریق آن‌ها نقشی ضروری در حفظ تشکیلات داعش و انجام امور مدنی بر عهده داشتند.

در مجموع می‌توان گفت، با توجه به شکل گرفتن حکومت خودخواندهٔ داعش و تشکیل برخی به اصطلاح وزارتخانه‌ها، سازمان‌ها و نهادهای خدماتی و آموزشی، نیاز

به زن در حوزه تربیتی و اجتماعی احساس گردید. داعش سعی نمود حضور زنان در این صحنه‌ها را جهت دهی نموده و در ابتدایی‌ترین و جزئی‌ترین مسائل خانوادگی نیز ورود نماید. نحوه تربیت فرزند و حتی دستورالعملی برای انجام وظایف مادران، به نوعی نشان‌دهنده این نکته است که داعش به مقوله خانواده، نگاهی ابزاری در جهت رسیدن به اهداف خود داشته است.

ج: نقش سیاسی - نظامی زنان

با ادامه فشارهای سیاسی و نظامی از سوی کشورهای منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای بر حکومت خودخوانده داعش، حکومت مزبور، عرصه را بر خود تنگ دید. از سوی دیگر، بازتاب‌هایی که از رفتارهای این گروه در جهان منعکس می‌گردید، ماهیت آن‌ها را بر همگان روشن کرد. رفتارهای متضاد و متوحشانه و هم‌چنین اقدامات تروریستی که داعش مرتکب گردید، پشت پرده رفتار و اهداف گروه مذکور را بر همگان آشکار ساخت، و همین امر موجب کاهش پیوستن داوطلبین به آن‌ها شد. با کاهش داوطلبین مرد برای حضور در صف جهادگران، فتوای جهاد به این مضمون برای زنان صادر گردید: زمانی که وضعیت امت به استیصال رسید، بایستی زنان جهاد کنند. از آنجایی که داعش یک گروه تروریستی مسلح است، و اصلی‌ترین نیازش حضور افرادی است که در عملیات‌های تروریستی شرکت کنند و پیاده نظام نبوده‌ها باشند، بدین منظور و برای رسیدن به این مقصود، اقدام به جذب زنان غربی کرد، و برای تشویق آن‌ها جهت اعزام به سوریه، سعی کرد چنین باوری ایجاد کند که با پیوستن به داعش، به سعادت خواهند رسید، و خدمت به یک مرد مسلمان که برای داعش می‌جنگد، آن‌ها را به بهشت برین خواهد رساند (شبکه العالم، ۱۳۹۳).

داعش بعد از جذب این‌گونه زنان، اقدام به آموزش آنان می‌کرد. ابتدا باید آموزش نظامی می‌دیدند. برای همین منظور، یک پایگاه نظامی خاص برای زنان و کودکان در حومه حلب ایجاد کرد. نکته قابل توجه در اردوگاه مزبور این بود که اغلب این زنان - که غالباً جوان و نوجوان بودند - اهل سوریه و حتی از قومیت عرب هم نبودند (ایسنا، ۱۳۹۳). این زنان پس از آموزش‌های لازم توسط اعضای داعش، برای اجرای

عملیات تروریستی و نظامی آماده می‌شدند. فعالیت‌های اساسی زنان مزبور علاوه بر شرکت در درگیری‌های وحشت‌آمیز، اقدام به بمب‌گذاری و عملیات‌های انتحاری بود. داعش حتی در پی ایجاد یک گروه انتحاری از همین زنان بود (شیعه‌نیوز، ۱۳۹۳)؛ زیرا لباس‌های پوشیده آن‌ها اجازه می‌داد که در عملیات‌های انتحاری، بهتر عمل کنند. وظیفه‌ای دیگر که این زنان بر عهده داشتند، کمک به افراد داعشی برای کنترل و بازرسی مردم مناطق اشغال شده بود. زنان مسلح در قالب گروهان «خنساء» به تفتیش و بازرسی بدنی مردم می‌پرداختند (مشرق‌نیوز، ۱۳۹۲(الف)). عده‌ای دیگر از این زنان، وظیفه برخورد با افرادی را بر عهده داشتند که برقع (لباس اجباری زنان در محدوده تسلط داعش) نمی‌پوشیدند، و این‌ها در صورت لزوم، احکام شرعی (همان شلاق زدن) را برای زنان خاطی اجرا می‌کردند (مشرق‌نیوز، ۱۳۹۲(الف)).

جهت سهولت انجام عملیات نظامی توسط زنان، گردان‌هایی خاص برای آنان تأسیس گردید که بارزترین آن‌ها گردان‌های «الخنساء» و «ام‌ریان» بود. الخنساء که در فوریه سال ۲۰۱۴ در شهر الرقه تشکیل شد، یکی از مهم‌ترین گردان‌های فعال در حوزه مسائل اجتماعی در تشکیلات داعش بود که در مناطق تحت سلطه‌اش فعالیت می‌کرد. اقداماتی از قبیل جذب زنان و دختران از طریق فضای مجازی، صدور فتوا برای زنان داعشی و بازداشت و مجازات زن‌هایی که دستورات داعش را زیر پا می‌گذاشتند، از جمله وظایف آن‌ها بود. در هنگام تشدید عملیات‌های نظامی و کاهش جهادگران مرد، از این گردان در حوزه نظامی نیز استفاده به عمل آمد (شبکه خبری العالم، ۱۳۹۴).

پیوستن به این گروه تروریستی، نیازمند داوطلب شدن در اردوهای آموزشی دروس دینی، آمادگی جسمانی و توانایی استفاده از سلاح بود. افرادی که در گردان‌های الخنساء عضویت داشتند، حقوق ماهانه دریافت می‌کردند. داشتن تابعیت خارجی یکی از مهم‌ترین ویژگی‌های افزایش حقوق بود.

زنان تروریست همواره با خود سلاح و دستبند و بی‌سیم حمل می‌کردند. از مأموریت‌هایی که بر عهده این زنان گذاشته می‌شد، نظارت و بازداشت و مجازات زنانی بود که مخالف دستورات داعش عمل می‌کردند. آنان هم‌چنین زنان شهروند

مناطق مختلف را برای بهره‌کشی‌های جنسی سرکردگان و تروریست‌های داعش می‌ربودند. زن در ادبیات مبارزاتی داعش، تنها یک مبارز نبود، بلکه یک همسر و خدمتکار و نامه‌رسان و صادرکننده احکام ضد زنان و اجراکننده حکم‌ها نیز بود (شبکه خبری العالم، ۱۳۹۴).

گزارش‌های بین‌المللی و منطقه‌ای نشان می‌دهد که حدود یک سوم از نیروهای داعش را زنان تشکیل می‌دادند. روزنامه‌الشرق الاوسط در شماره ۲۴ آوریل سال ۲۰۱۷ اعلام کرد که شمار زنان و دختران نوجوان در این گروه، بالغ بر ۵۵ درصد از مجموع مبارزان آن‌ها شده است. به گفته کارشناسان، انگیزه‌های پیوستن زنان به داعش، متعدد بوده است. جذب زنان در داعش، نتیجه تصوّرات رمانتیک آن‌ها با هدف جستجوی یک زندگی عاشقانه و بی سابقه صورت می‌گرفته است. برخی از این افراد، خود را بخشی از روند گسترده جهانی می‌دانستند و معتقد بودند که جهان را به صورت کامل تغییر خواهند داد. دستیابی به قدرت و پول، جستجوی یک زندگی متفاوت و تصوّر توانایی تغییر جهان، از مهم‌ترین دلایل پیوستن زنان به گروه تروریستی داعش بوده است (شبکه خبری العالم، ۱۳۹۴).

گروه موسوم به دولت اسلامی (داعش) در اواخر عمر خود از زنان دعوت کرد تا به هواداری از این گروه به جبهه‌های جنگ ملحق شوند. در اطلاعیه این گروه که در هفته نامه «داعش آنلاین» منتشر شده بود، وظیفه واجب و ضروری زنان را حمایت از این گروه در تمام سطوح عملیات جنگی برشمرده بود. درخواست آخر داعش از زنان، کاملاً مغایر با نقشی بود که این گروه در گذشته برای زنان تعیین کرده بود. پیش از این در بسیاری از موارد، داعش با شرکت زنان در جنگ مخالفت کرده و از آن‌ها خواسته بود به ساماندهی پشت جبهه‌ها بپردازند، و البته برای تقویت روحیه مجاهدان، به «جهاد نکاح» نیز روی آوردند؛ درخواستی که توسط علمای وهابی و گروه‌های تروریستی تکفیری ترویج شد و بی‌پاسخ هم نماند، و زنانی بسیار از تونس، چچن، مصر، عراق، آلمان، فرانسه، اتریش و دیگر کشورها برای انجام آن راهی سوریه سفر شدند.

داعش به تدریج از روزهای اوج خود که در سوریه و عراق جولان می‌داد، و شهرها

را یکی پس از دیگری فتح می‌کرد و می‌توانست به عیش و نوش تروریست‌های گمراهش فکر کند، فاصله‌ای زیاد گرفت. تلاش‌های عراق و نیروهای مردمی این کشور، کار داعش را در عراق به پایان رسانید و در سوریه نیز جز ادلب، شهری دیگر در تسلط آن‌ها نماند.

شکست‌های پی‌درپی داعش سبب شد تا از زنان حامی خود بخواهد برای حفظ دین‌شان، خود را در راه خدا فدا کنند، و به این ترتیب اعتراف کرد که ادعای او برای «جهاد»، به دفاع تبدیل شده است. این مسئله می‌تواند پیامدهایی در بحران موجود در سوریه و عراق و اوضاع امنیتی دنیا ایجاد کند (جلال‌پور، ۱۳۹۶).

خلافت خودخوانده داعش، اصراری زیاد در الگوبرداری از روش حکومتی پیامبر و صدر اسلام داشت. از نام‌گذاری حکومت خود به نام خلافت گرفته تا اجرای اغراق‌آمیز و غلط قوانین اسلامی، همه و همه، نشان از سعی آنان در بروز جلوه واقعی حکومت در صدر اسلام بود. در این بین، سیاست آن‌ها در مورد طبقه زنان نیز جالب توجه است که چند نکته در این باب ذکر می‌شود:

- داعش از یک‌سو تأکید بر نقش‌های سنتی زنان هم‌چون ماندن در خانه، خدمت به خانواده، ازدواج و فرزندآوری داشت؛

- رویکرد داعش به زنان، استفاده ابزاری از آن‌ها جهت سوءاستفاده جنسی بود. ترغیب زنان به جهاد نکاح با طرح وعده‌های دروغین بهشتی شدن آنان از جمله این موارد بود.

- استفاده از زنان در عملیات انتحاری، از دیگر اقداماتی بود که داعش از آن بهره می‌برد. بارها دیده شده بود که زنان دست‌آویز انجام عملیات انتحاری قرار می‌گرفتند. شرکت دادن زنان در جبهه‌های جنگ، آخرین سیاست داعش درباره زنان بود. در تحلیل و علت‌یابی این موضوع موارد زیر قابل اعتناست:

۱. **خنثی کردن تبلیغات دشمنان داعش:** داعش که همواره متهم به سوء استفاده از زنان شده بود، می‌کوشید با شرکت دادن آن‌ها در امور اجتماعی و خارج از خانه، خصوصاً جبهه‌های جنگ، رویکردی جدید از خود به نمایش بگذارد و تبلیغات منفی علیه خود را خنثی کند.

۲. رفع کمبود نیروهای جهادی: به دنبال پیروزی‌های مکرر ارتش سوریه و عراق، داعش، بسیاری از شهرهای تسخیرشده خود را از دست داد و طی عملیات‌های مختلف، نفرات عدیده‌ای از نیروهایش نیز کشته شدند. در این راستا، حضور زنان در جبهه‌های جنگ می‌توانست عاملی مهم جهت افزایش تعداد نفرات نظامی داعش در جبهه‌ها باشد.

۳. احیای سنت‌های صدر اسلام: از دیدگاه داعش، حضور زنان در جنگ به نوعی تداعی‌کننده سنت پیامبر در استفاده از وجود زنان در جنگ بود. اعراب جاهلی و بت‌پرست در جنگ‌هایشان پس از صفوف مردان، زنان و خانواده‌هایشان را قرار می‌دادند. پیامبر (ص) با این سنت جاهلی مخالفت کرد و تنها به تعدادی محدود از زنان (ام ایمن، ام سلمه و ...) اجازه داد در نقش پرستار و جهت معالجه بیماران، نیروی تدارکاتی، آبرسانی، تعمیر تجهیزات نظامی، رساندن مهمات و انتقال مجروحان در جنگ‌هایی چون احد و بدر شرکت کنند. داعش نیز می‌کوشید در لوای احیای سنت‌های صدر اسلام، حضور زنان را در جبهه‌ها تقویت کند.

۴. تقویت روحیه و جنگاوری مردان داعشی: حضور زنان در جبهه‌های جنگ می‌توانست عاملی جهت تقویت روحیه جهادی نیروهای داعش باشد، و مردان را تشویق کند که بهتر بجنگند و از میدان‌های نبرد، فرار نکنند؛ چراکه در صورت ضعف در جنگ یا فرار، همسران‌شان کشته یا اسیر می‌گردید.

۵. الگوبرداری از حضور زنان کُرد: به عنوان عامل آخر نیز شاید بتوان اقدام داعش را نوعی الگوبرداری از حضور زنان کُرد در جبهه‌ها دانست. از آنجا که زنان کُرد در بسیاری از جبهه‌های نبرد در عراق و سوریه حضور داشتند، و در بسیاری موارد نیز شایستگی‌هایی زیاد از خود نشان داده بودند، حضور زنان داعشی در جبهه‌های جنگ می‌توانست پاسخی به حضور آنان تلقی شود (جلال‌پور، ۱۳۹۶).

بدین ترتیب، تغییر مکرر رویکرد داعش به نقش زنان به‌خوبی نشان می‌دهد این گروه تا چه اندازه نگاهی ابزاری به زنان داشته، و در هر برهه از زمان، بسته به منافع و نیازهای خود می‌کوشیده نقش آنان را به‌گونه‌ای جدید تعریف کند. این امر باعث

پیامدهای امنیتی خطرناکی در عرصه منطقه‌ای و بین‌المللی شد، و ضمن افزایش تعداد زنان انتحاری، موجی از ناامنی و افزایش کودکان بی‌سرپرست را به همراه آورد (جلال‌پور، ۱۳۹۶).

در مجموع، این نکته روشن گردید که یکی از این موارد، بهره‌گیری از موضوع زنان با تکیه بر برداشت‌های سطحی و منفعت‌طلبانه از دین است، و داعش سعی نمود تا با استفاده از ابزاری از جایگاه زن، از ظرافت‌ها و ظرفیت‌های آن‌ها جهت پیشبرد اهداف خود بهره‌جوید. در ابتدا به دلیل نیاز به عضوگیری، از زنان در نقش تبلیغی استفاده به عمل آورد، سپس با گسترش مرزهای جغرافی‌اش و ایجاد حکومت، به وجود جمعیت به‌عنوان یکی از ارکان قدرت احساس نیاز کرد. داعش با واگذاری نقش تربیتی کودکان به زنان، از آنان در جهت ازدیاد نسل و تولید فرزند و تربیت بر اساس آموزه‌های خویش، استفاده به عمل آورد. در دوران افول قدرت، به علت کاهش مجاهد مرد و نبود سرباز، در عملیات‌های نظامی و انتحاری از زنان استفاده به عمل آورد که همین امر نگاه ابزاری آن‌ها را به مقوله زن نشان می‌دهد.

نتیجه‌گیری

داعش مدعی بازگشت به سیستم حکومتی اسلامی بود و خلافت اسلامی را پیگیری می‌کرد، و با فراخوانی مسلمانان کشورهای اسلامی از آنان درخواست نمود تا به این حکومت بپیوندند تا خلافت جدید اسلامی را بر اساس آموزه‌های اسلامی برپا نمایند. زنان نیز به‌عنوان نیمی از جامعه مسلمان به این حکومت فراخوانده شدند. داعش سعی کرد با دخیل کردن زنان در برخی از نقش‌های تبلیغی - تبشیری، فرهنگی - تربیتی و سیاسی - نظامی، جایگاهی را در حکومت خودخوانده خود برای زنان ترسیم نماید. پرسش اصلی پژوهش این بود که زنان در دولت خودخوانده داعش از چه جایگاهی برخوردار بودند. فرضیه پژوهش این‌گونه مطرح گردید که «جایگاه زنان در دوره فعالیت داعش، مهم بوده و بیشتر جنبه تبلیغی، تبشیری و نظامی داشته و داعش با استفاده از ابزاری از زنان در جهت رسیدن به مقاصد خود، قدم برداشته است.»

یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که دولت خودخوانده داعش سعی کرد با دخیل کردن زنان در برخی از نقش‌های تبلیغی-تبشیری، فرهنگی-تربیتی و سیاسی-نظامی، جایگاهی را در حکومت خودخوانده برای زنان ترسیم نماید. داعش در ابتدا به منظور ادامه حیاتش نیازمند عضوگیری فعال در سطح جامعه بین‌الملل بود، و راهبردی که از آن استفاده کرد، بهره‌برداری از زنان بود.

برای جذب تروریست‌های جدید و به‌کارگیری آن‌ها در عملیات جنگی و هم‌چنین حفظ نیروهای موجود، مؤثرترین روش از نظر رهبران داعش، بهره‌گیری از جذابیت‌های جنسی زنان بود. در این خصوص، زنان، بیشتر نقش تبشیری-تبلیغی داشتند. زنان با انجام تبلیغات گسترده در رسانه‌ها و فضای مجازی و تهییج جنسی مردان، آنان را به جهاد نکاح فرا می‌خواندند و برای پیوستن به داعش تشویق می‌نمودند. داعش علاوه بر نیاز به قلمرو جغرافیایی، به جمعیتی قابل توجه از جهادگران پرورش یافته نیز احساس نیاز می‌کرد. در این نگاه، زن دارای نقشی تربیتی و مؤثر در امر ازدیاد نسل بود. در واقع نقشی جدید برای زن تعریف گردید که همان نقش فرهنگی-تربیتی بود. زنان موظف بودند فرزندان خود را برابر آموزه‌های مذهبی-سلفی تربیت کنند؛ علاوه بر این، گروه‌هایی از زنان نیز بودند که اقدامات فرهنگی و پاسخ‌گویی به شبهات زنان را در سطح شهرها و هم‌چنین اجرای حدود در مورد زنان بر عهده داشتند. این‌ها در زمره برخی اقدامات فرهنگی بود که از زنان خواسته می‌شد و برای آنان تعریف گردیده بود.

با توجه به اینکه داعش گروهی تروریستی است، اصلی‌ترین نیازش به افرادی بود که در عملیات‌های جنگی شرکت کنند. داعش در دوران ضعف و شکست‌های پی‌درپی خود از زنان دعوت کرد تا به هواداری از این گروه به جبهه‌های جنگ ملحق شوند، و جهاد را وظیفه واجب و ضروری آنان اعلام کرد، و از آن‌ها خواسته شد که دست به عملیات انتحاری بزنند. درخواست آخر داعش از زنان، کاملاً مغایر با نقشی بود که این گروه در گذشته برای آن‌ها تعیین کرده بود. پیش از این، داعش در بسیاری از موارد با شرکت زنان در جنگ مخالفت کرده و از آن‌ها خواسته بود به

ساماندهی پشت جبهه‌ها بپردازند، و برای تقویت روحیهٔ مجاهدان داعشی به «جهاد نکاح» روی آورند.

بدین ترتیب، تغییر مکرر رویکرد داعش به نقش زنان نشان می‌دهد که این گروه تا چه اندازه نگاه ابزاری به زنان داشته، و در هر برهه از زمان، بسته به منافع و نیازهای خود، می‌کوشیده نقش‌های آن‌ها را به گونه‌ای جدید تعریف کند و در جهت تأمین منافع خود بهره جوید.

منابع فارسی

- ابن تیمیه (۱۴۱۶ق.). مجموع فتاوی شیخ الاسلام احمد بن تیمیه. جمع و ترتیب: عبدالرحمان بن محمد بن قاسم، ساعده ابنه محمد، المجلد الثامن و عشرون، السعودیه: وزاره الشعون الاسلامیه و الاوقاف و الدعوه و الارشاد، بالمملکه العربیه السعودیه.
- رضوان السید (۱۹۹۷م.). سیاسیات الاسلام المعاصر، مراجعات و متابعات. بیروت: دارالکتب العربی.
- رنجبر شیرازی، مصطفی؛ نجاتی آرانی، حمزه و امیر فاطمی صدر (۱۳۹۳). جریان شناسی داعش: چیستی، شاخصه‌ها و راه کارهای مواجهه. تهران: سخنوران، چاپ اول.
- عماره، محمد، (۱۹۶۲م.). تحدیات لها تاریخ. بیروت: المؤسسة العربیة للدراسات.
- غزالی، ابوحامد محمد (۱۳۷۳). احیاء علوم دین، ترجمه مؤیدالدین محمد خوارزمی به کوشش حسین خدیو جم. تهران: شرکت انتشارات علمی و فرهنگی، چاپ سوم.
- قوام، سید عبدالعلی (۱۳۸۸). اصول سیاست خارجی و سیاست بین الملل. تهران: انتشارات سمت، چاپ پانزدهم.
- یزشگی، محمد کاظمی، نفیسه (۱۳۸۴). صورتبندی مطالعات زنان در جهان اسلام، فصلنامه مطالعات راهبردی زنان، شماره ۳۰، صص ۱۰۸-۷۳.
- صادقی فسایی، سهیلا؛ عرفان منش، ایمان (۱۳۹۱). تحلیل گفتمان نظریه‌پردازی‌های اجتماعی از الگوی خانواده مطلوب در ایران، فصلنامه مطالعات راهبردی زنان، سال چهاردهم، شماره ۵۸، صص ۴۸-۷.
- عرفان منش، ایمان؛ صادقی فسایی، سهیلا (۱۳۹۵). بازنمایی و تحلیل گفتمان انتقادی — لاکانی الگوی خانواده داعش در فضای مجازی، فصلنامه مطالعات فرهنگ-ارتباطات، سال هفدهم، شماره سی و پنجم. صص ۵۱-۳۳.
- قطب، سید (۱۳۸۳). مجتمع عالمی، مجموعه مقالات نحو مجتمع اسلامی، به نقل از تقریر گفتمان سید قطب، فصلنامه علوم سیاسی، شماره ۲۱، صص ۵۲-۴۳.
- میرشکاران، یحیی؛ وحیدی، الهام؛ پورقیومی، علی (۱۳۹۵)، آینده پژوهی نقش و جایگاه جنسیت در تداوم بحران‌های امنیتی، مجموعه مقالات همایش «بحران‌های ژئوپلیتیکی جهان اسلام»، تهران: دانشگاه شهید بهشتی، جلد دوم، صص ۴۱۵-۴۰۴.

خبرگزاری و رسانه

- آقاجری، هاشم، ایدئولوژی داعش نوسلفی است، روزنامه شرق، یکشنبه ۱۸ آبان ۱۳۹۳، شماره ۲۱۵۷، تاریخ مراجعه: ۱۳۹۷/۵/۷، قابل دسترس در:
<http://www.sharghdaily.ir/Vijeh/3512>
- الریسونی، احمد، خلافت به شیوه نبوت و خلافت به شیوه داعش، پایگاه اطلاع رسانی اصلاح، تاریخ انتشار: ۱۳۹۳/۴/۲۰، تاریخ مراجعه: ۱۳۹۷/۵/۱۰، قابل دسترس در:
<http://www.islahweb.org/content>
- باشگاه خبرنگاران جوان، استراتژی داعش در مورد زنان، کد خبر: ۵۳۷۱۸۶۸، تاریخ انتشار: ۵ آبان ۱۳۹۴، تاریخ مراجعه: ۹۷/۴/۲۳، قابل دسترس در:
<https://www.yjc.ir/fa/news/5371868>
- پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، (۱۳۹۶)، زنان و داعش، تاریخ انتشار: ۹۶/۷/۲۴، تاریخ مراجعه: ۹۷/۴/۳۱، قابل دسترس در:
<http://www.ihs.ac.ir/fa/news/16114>
- جلال پور، شهره، زنان، ابزار دست جنگجویان داعشی، خبرگزاری ایمننا، کد خبر: ۳۲۲۵۴۵، تاریخ انتشار: ۹۶/۷/۱۸، تاریخ مراجعه: ۱۳۹۷/۵/۲، قابل دسترس در:
<http://www.imna.ir/news/322545>
- خبرگزاری ایسنا، ابتکار عمل جدید داعش، ایجاد کمپ آموزشی برای زنان تندرو در حلب سوریه، کد خبر: ۹۳۰۲۲۰۱۳۳۲۷، تاریخ انتشار: ۱۳۹۳/۲/۲۰، تاریخ مراجعه: ۱۳۹۷/۴/۲۹، قابل دسترس در:
<https://www.isna.ir/news/9302201332>
- خبرگزاری بی بی سی، زنان چه نقشی در داعش ایفا می کنند، فرانک گاردنر، تاریخ انتشار: ۳۰ مرداد ۱۳۹۴، تاریخ مراجعه: ۱۳۹۷/۴/۲۴، قابل دسترس در:
http://www.bbc.com/persian/world/2015/08/150821_131_isis_women_role
- خبرگزاری فارس، از لابه لای اسناد: آشکار و نهان گروهک تکفیری داعش، تاریخ انتشار: ۱۳۹۳/۶/۳۱، تاریخ مراجعه: ۱۳۹۷/۵/۲، قابل دسترس در:
<https://www.farsnews.com/news/13930631001222>
- شبکه خبری العالم، تبلیغ متفاوت داعش برای جذب زنان غربی به جهاد نکاح، تاریخ انتشار: ۱۳۹۳/۵/۱۶، تاریخ مراجعه: ۱۳۹۷/۵/۲، قابل دسترس در:
<http://fa.alalam.ir/news/1620947>
- شیعه نیوز، تلاش داعش برای تشکیل یگان زنان انتحاری در عراق، کد خبر: ۷۲۵۳۵، تاریخ انتشار: ۱۳۹۳/۲/۱۷، تاریخ مراجعه: ۱۳۹۷/۴/۳۱، قابل دسترسی در:
<http://www.shia-news.com/fa/news/72535>

- مشرق‌نیوز (الف)، اولین گروه زنان مسلح داعش، کد خبر ۲۸۲۴۰۴، تاریخ انتشار: ۱۳۹۲/۱۱/۱۴، تاریخ مراجعه: ۱۳۹۷/۵/۲، قابل دسترس در: <https://www.mashregnews.ir/news/282404>
- مشرق‌نیوز (ب)، شوق دختران انگلیسی برای جهاد نکاح، کد خبر ۲۹۵۵۷۴، تاریخ انتشار: ۱۳۹۲/۱۲/۲۹، تاریخ مراجعه: ۱۳۹۷/۵/۲، قابل دسترس در: <https://www.mashregnews.ir/news/295774>
- هانتر، شیرین، داعش یک گروه تروریستی نیست، سایت خبری تحلیلی فرارو، ۳۰ شهریور ۱۳۹۳، تاریخ مراجعه: ۹۷/۴/۱۵، قابل دسترس در: <http://fararu.com/fa/news/207415>

منابع فارسی

- New York Times, "How ISIS Works", Sept. 16, 2014, available at: <http://www.nytimes.com/interactive/2014/09/16/world/middleeast/how-isis-works.html>
- Abi-Habib, Maria (2014), "Iraq's Christian Minority Feels Militant Threat", The Wall Street Journal, Retrieved 6 July 2014.
- Crooke, Alastair,(2014) "You Can't Understand ISIS If You Don't Know the History of Wahhabism in Saudi Arabia", The Huffington Post, 27/8, available at:http://www.huffingtonpost.com/alastair-crooke/isiswahhabism-saudi-arabia_b_5717157.html
- Gulmohamad. zana khasraw, (2014), "The Rise and Fall of Islamic state of Iraq and al-sham(levant) isis",Golobal security study, spring, volum 5.
- Schwarts, Stephan,(2002), "The Two Faces of Islam: The House of Saud from Tradition to Terror", New York: Doubleday.

